

دوره هفتم - سال چهارم

شماره چاپ: ۱۸۳۶

تاریخ چاپ: ۱۳۸۶/۵/۱۰

شماره ثبت: ۷۲۰

اظهار نظر کارشناسی درباره:
«لایحه مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و
دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز»

کد موضوعی: ۲۰۰

شماره مسلسل: ۸۵۷۶

مهر ماه ۱۳۸۶

دفاتر: مطالعات حقوقی

مطالعات اقتصادی

مطالعات برنامه و بودجه

به نام خدا

فهرست مطالب

۱	چکیده
۲	الف) اهداف لایحه
۲	ب) ارزیابی اهداف لایحه
۳	ج) ارزیابی تفصیلی مقررات لایحه
۱۲	د) جمع‌بندی



اظهار نظر کارشناسی درباره:

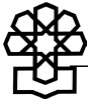
«لایحه مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان

سلاح و مهمات غیرمجاز»

چکیده

لایحه مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجازات به منظور نیل به اهدافی چون مقابله با قاچاق اسلحه و مهمات و مواد تحت کنترل، تأمین امنیت مرزها و تشدید مجازات مرتکبین جرائم مرتبط با اسلحه و مهمات تنظیم و تقدیم شده است چارچوب کلی لایحه و اهداف مورد نظر در تنظیم موارد آن در مجموع قابل توجه و تصویب است. در عین حال اشکالات و ابهاماتی در متن آن موجود است که رفع آنها ضروری است. از آن جمله، وجود مقررات زائد و تکراری نظیر مواد اول تا چهارم، نگاه مالی و درآمدی به اجرای لایحه، عدم دقت در تعیین مجازات‌ها و رعایت تناسب میان جرم و مجازات است. عدم توجه کافی به سیاست جنایی تشویقی عدم جرم‌انگاری ترانزیت غیرمجاز اسلحه و مهمات عدم دقت و شفافیت در ارجاع امور به آیین‌نامه اجرائی و تعدد مورد ابهام حکمی و نگارشی.

واژه‌های کلیدی: قاچاق، اسلحه، مهمات.



الف) اهداف لایحه

آن‌گونه که از مقدمه توجیهی و مفاد مواد مقرر در لایحه برمی‌آید اهداف مورد نظر در تدوین و تقدیم چنین لایحه‌ای به شرح زیر قابل احصاست:

۱. مقابله با ورود بیش از پیش اسلحه و مهمات غیرمجاز

۲. تحکیم امنیت مرزها و مبادی ورودی اسلحه و مهمات غیرمجاز

۳. مقابله با ورود، ساخت، حمل و نگهداری آن دسته از مصادیق اسلحه و مهمات

که تحت شمول مقررات موجود واقع نمی‌شوند.

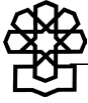
۴. تشدید مجازات مرتکبین جرائم واقع در حوزه اسلحه و مهمات

ب) ارزیابی اهداف لایحه

تأمین و تحکیم امنیت کشور و فراهم آوردن اسباب اقتدار دولت و تسلط آن بر اوضاع و مقابله قاطع با اقدامات و مشاغل مخل امنیت، از راه تصویب و اجرای مقررات قانونی خود به خود کاری است موجه و قابل حمایت. موقعیت ژئوپلیتیکی کشور ما و هرج و مرج و ناامنی‌ها و درگیری‌های نظامی واقع در آن سوی مرزهای شرقی و غربی از سویی و گسترده‌گی مرزهای مزبور و وجود زمینه‌ها و انگیزه‌های مالی و غیر آن برای ورود افراد به فعالیت غیرمجاز در حوزه اسلحه و مهمات و مخاطرات ناشی از این‌گونه فعالیت‌ها از سویی دیگر ایجاب می‌کند که دولت با اقتدار بیشتر و پشتوانه‌های قانونی قوی‌تر و روشن‌تر به این حوزه وارد شود و با تسلط بر اوضاع و در دست گرفتن ابتکار عمل، عرصه را بر هرگونه رفتار ضدامنیتی ببندد. بر این اساس کلیت لایحه و اهداف و مقاصد مورد نظر آن اجمالاً قابل توجیه و دفاع ارزیابی می‌شود.

**ج) ارزیابی تفصیلی مقررات لایحه**

۱. عنوان فصل اول لایحه «تعاریف و کلیات» است. مقررات این فصل چند اشکال اساسی دارند اولاً، مواد دوم تا چهارم که در ذیل همین فصل واقع شده‌اند متضمن هیچ تعریف یا هیچ حکم کلی نیستند. ثانیاً، تعاریف موضوع بندهای ماده (۱) و تبصره‌های آن بندها غیرضروری است. مفاهیم و عناوینی چون «قاچاق» و «اسلحه و مهمات» در عرف حقوقی ما نیازمند تعریف نیستند. خصوصاً اگر قرار باشد که فهرست جامع کلیه انواع اسلحه و مهمات و مواد تحت کنترل و مواد رادیواکتیو توسط وزارتخانه دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و سازمان انرژی اتمی تنظیم و اعلام گردد و آیین‌نامه اجرائی قانون نیز تنظیم و به تصویب هیئت دولت برسد، دیگر ذکر انواع سلاح سرد و گرم و مهمات و مواد تحت کنترل در خود قانون ضرورتی نخواهد داشت. افزون بر این‌ها مفاد تبصره‌های بندهای «ب» و «ج» ماده (۱) به راحتی قابل اندراج در متن همان بندها هستند و از این رو انفراد و استقلال آن‌ها از حیث حکم توجیه روشنی ندارد. همین‌طور اگر بنا بر لزوم تعریف مفاهیم و عناوین موضوع قانون باشد، تعریف سلاح سبک، سنگین و نیمه‌سنگین موضوع مواد شش تا هشت لایحه ضروری‌تر به نظر می‌رسد. در مجموع مقررات فصل اول لایحه شامل مواد یک تا چهار غیراصولی و غیرضروری ارزیابی می‌شود پیشنهاد می‌شود مواد این فصل حذف شود و در محلی مناسب از لایحه تنظیم و اعلام فهرست انواع اسلحه و مهمات و مواد تحت کنترل به قید تفکیک میان سلاح‌های جنگی، شکاری، سبک، سنگین و نیمه‌سنگین به عنوان وظیفه به دو وزارتخانه دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و کشور



به‌طور مشترک ارجاع شود.

۲. در ماده (۵) لایحه قاچاق اسلحه و مهمات جرم تلقی شده است. منظور از قاچاق به طور طبیعی و آن‌گونه که در فصل اول لایحه آمده محدود به «وارد کردن» و «خارج کردن» اسلحه و مهمات است. به منظور تعمیم اهداف و مقاصد لایحه و برخوردار نمودن آن از بعد و جبهه بین‌المللی بهتر است «ترانزیت» اسلحه و مهمات از قلمرو زمینی، هوایی و دریایی کشور نیز جرم و مشمول مجازات معرفی شود. راست است که ترانزیت ترکیبی از وارد کردن و صادر کردن است. ولی باید دانست که وارد کردن و خارج کردن مطرح در فصل اول لایحه مستقلاً و بالانفراد و بدون توقف یکی بر دیگری مورد نظر است در حالی که برای تحقق ترانزیت ارتکاب هر دو فعل مذکور لازم است. به علاوه جرم دانستن ترانزیت اسلحه و مهمات با توجه به موقعیت کشور از بعد همکاری‌های بین‌المللی دارای فواید و آثار مثبتی خواهد بود.

۳. در ماده (۵) لایحه قید «هرگاه مرتکب یا لاقلاً یک نفر از مرتکبین مسلح باشد» غیراصولی است. قاچاقچی اسلحه لزوماً یا غالباً مسلح است. بنابراین تشدید مجازات وی از این حیث خلاف اصول است از همین رو ماده (۱) قانون سال ۱۳۵۰ تنها در فرض مقاومت مرتکبین در برابر قوای دولتی مسلح بودن حداقل یکی از آنان را موجب تشدید مجازات به‌شمار آورده بود. ماده (۵) لایحه به تبعیت از قانون سابق مقاومت مسلحانه را مستوجب حبس دائم یا اعدام دانسته است. بنابراین قید مورد اشاره لازم است حذف شود.

۴. در ذیل مواد (۵)، (۶) و (۷) و بند «الف» ماده (۱۸) لایحه اقداماتی چون مقاومت مسلحانه قاچاقچیان نگهداری، اخفاء حمل و نقل، ساخت و مونتاژ سلاح سنگین و

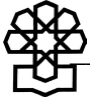


مهمات مربوط به آن مستوجب «حبس دائم یا اعدام» تلقی شده است. این روش تعیین مجازات هم غیراصولی است. میان اعدام و حبس دائم چندان تناسبی وجود ندارد که بتوان انتخاب «این یا آن» را به دادگاه واگذار نمود. سنگینی این‌گونه مجازات‌ها خصوصاً مجازات اعدام ایجاب می‌کند که قانون‌گذار موارد حکم به آن را به‌طور دقیق مشخص و اختیار دادگاه را در این باره محدود و مشخص نماید. در صدر ماده (۶) به قرینه آنچه در تبصره این ماده و آنچه در صدر ماده (۱۱) و تبصره آن آمده لازم است گفته شود «هر کس بیش از یک قبضه سلاح جنگی سبک را به‌طور غیرمجاز نگهداری نماید».

۵. در مواد (۶)، (۷)، (۱۱)، (۱۲) و (۱۹) در کنار حمل و نقل نگهداری و ساخت و مونتاژ لازم است «توزیع» سلاح و مهمات غیرمجاز نیز جرم‌انگاری شود. چه ممکن است عمل «توزیع» به‌طور مجرد و به‌نحوی که مشمول هیچ‌کدام از عناوین مجرمانه مذکور قانون صورت گیرد.

۶. در مواد (۶) تا (۸) چنان که گذشت مفهوم و مصداق سلاح و مهمات «سبک، سنگین و نیمه‌سنگین» روشن نیست. این اصطلاحات خصوصاً با توجه به مجازات سنگین آن‌ها باید در ضمن قانون تعریف شوند یا مرجع تنظیم آیین‌نامه اجرائی الزام به تعریف روشن و معرفی حصری مصادیق آن شود.

۷. در مواد (۹) و (۱۵) گفته شده متخلفین از حکم ماده (۳) در مورد اسلحه و مهمات جنگی به حبس و درخصوص اسلحه و مهمات شکاری به‌جزای نقدی و تعطیلی محل کسب محکوم می‌شوند. آیا نمی‌توان این سه ماده را در هم ادغام نمود و به‌صورت یکجا گفت: اشتغال به حرفه ساخت، مونتاژ، تعمیر و معامله انواع اسلحه و



مهمات مجاز، بدون اجازه مراجع قانونی ممنوع و مرتکب در مورد اسلحه و مهمات جنگی به حبس از تا سه سال و درخصوص اسلحه و مهمات شکاری به‌جزای نقدی از تا ریال و در هر حال به تعطیلی محل کسب محکوم خواهد شد؟

۸. در ماده (۱۲) اگر منظور این است که تخلف از «اعلام عدم تمدید پروانه حمل سلاح شکاری» جرم است اولاً این منظور باید با عبارتی روش‌تر بیان شود، ثانیاً باید مدت توقیف موقت اسلحه در همین ماده مشخص شود.

۹. در ماده (۲۰) ارتکاب جرائم موضوع لایحه به قصد «برهم زدن امنیت کشور» در حکم محاربه اعلام شده است. به نظر می‌رسد که در این باره به منظور هماهنگی با دیگر مقررات کیفری از جمله ماده (۱۸۶) قانون مجازات اسلامی و حفظ وحدت تعبیر و اصطلاحات قانونی استفاده از اصطلاح «براندازی نظام» مناسب‌تر باشد.

۱۰. شروع به جرائم موضوع لایحه در ماده (۲۱) مستوجب حداقل مجازات مقرر برای جرم ارتكابی، اعلام شده است. اصل مطلب اگرچه با ماده (۴۱) قانون مجازات اسلامی درخصوص شروع به جرم اندکی ناهمخوانی دارد ولی از لحاظ اصولی فاقد اشکال است با این حال در مواردی که مجازات جرائم موضوع لایحه فاقد حداقل است نظیر حبس دائم و اعدام موضوع بندهای «الف» مواد (۱۸) و (۱۹) در عمل مرجع قضایی رسیدگی کنند. با اشکال مواجه خواهد شد. در این گونه موارد منطقیاً باید گفته شود: «چنانچه مجازات مقرر برای جرم ارتكابی فاقد حداقل باشد مرتکب به حبس از تا سال محکوم می‌گردد».

۱۱. اشکال فوق درخصوص معاونت موضوع ماده (۲۳) لایحه هم وجود دارد در این ماده معاونت در جرائم موضوع لایحه مستوجب حداقل مجاز است مقرر برای



اصل عمل اعلام شده است. حکم به حداقل مجازات برای معاون به عنوان یک اصل کلی در ماده (۷۲۶) قانون مجازات اسلامی هم آمده است. ولی در مواردی که مجازات اصل عمل فاقد حداقل باشد نظیر حبس ابد و اعدام مقرر در مواد (۱۸) و (۱۹) لایحه حل مسئله در مقام قضا مشکل خواهد بود. یک نکته مهم‌تر این که اساساً چرا باید معاونین ارتکاب جرائم مهمی چون قاچاق اسلحه و مهمات به حداقل مجازات مقرر برای مباشر محکوم شوند؟ برخی از معاونین جرم نقشی به مراتب مؤثرتر و ابتکاری‌تر از مباشرین دارند. اقتضای عدالت و اصول سیاست جنایی آن است که این گونه معاونین ارتکاب جرم، با عکس‌العملی مؤثرتر مواجه گردند. پیشنهاد می‌شود در ماده اخیرالذکر به جای «حداقل مجازات‌های مقرر» دست کم گفته شود: «به حداقل تا دو ثلث حداکثر مجازات‌های مقرر برای اصل عمل محکوم می‌شود. چنانچه اصل عمل فاقد حداقل باشد معاون به حبس از تا سال محکوم می‌گردد.

۱۲. متن ماده (۲۵) لایحه غیراصولی و غیرضروری است. اگر منظور این باشد که مراجع قضایی در ضمن رسیدگی به دعاوی برای تشخیص نوع، کیفیت و کمیت اسلحه و مهمات و مواد تحت کنترل از وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح استعلام نمایند این مطلب با توجه به اهمیت مسئله و شدت مجازات‌های مقرر در لایحه غیراصولی است چنانچه منظور این باشد که فهرست انواع اسلحه و مهمات و مواد تحت کنترل توسط وزارتخانه مذکور اعلام می‌شود این مسئله در تبصره ماده مورد بحث آمده است، در این صورت متن ماده غیرضروری خواهد بود. منطقی‌تر باید تبصره را به متن ماده منتقل نمود و بعد از بیان اینکه فهرست انواع اسلحه مهمات و مواد تحت کنترل توسط وزارت دفاع اعلام می‌شود گفته شود مراجع قضایی چنانچه در



ضمن رسیدگی با ابهام یا اشکالی در تشخیص موضوع و تطبیق آن بر مفاد مقررات قانونی روبه‌رو شوند از همان وزارتخانه استعلام می‌نمایند.

۱۳. در ماده (۲۶) ظاهراً طراحان متن لایحه برای اجتناب از ضبط و مصادره اموال غیرمنقول متخلفان، جرائم موضوع مواد (۸)، (۹)، (۱۴)، (۱۵) و (۱۶) را از شمول حکم ضبط و مصادره اموال استثنا نموده‌اند به نظر می‌رسد این استثنای کلی نسبت به اموال منقول آنان فاقد توجیه باشد. منطقی‌تر آن است که با حذف ضبط اموال غیرمنقول به‌طور کلی گفته شود: «اموال و دارایی‌هایی که از طریق ارتکاب جرائم موضوع این قانون تحصیل شده یا برای ارتکاب آن‌ها مورد استفاده مستقیم قرار گرفته و همچنین اسلحه و مهمات و مواد موضوع جرم ضبط و به نفع دولت مصادره می‌گردد». خصوصاً باید توجه داشت که قید «اموالی که برای ارتکاب جرم اختصاص یافته» بسیار کلی و مبهم است و در عمل ممکن است منشأ سوءتفسیر واقع شود.

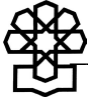
۱۴. ماده (۲۸) لایحه متضمن عذر معاف‌کننده است؛ «کسانی که ظرف مدت شش ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن قانون اسلحه، مهمات و مواد تحت تصرف خود را تحویل دهند از مجازات معاف هستند مشروط بر این‌که مرتکب اقدام علیه امنیت کشور و شهروندان نشده باشند». اعطای معافیت و معاذیر معاف‌کننده نوعی سیاست کیفری تشویقی است و برای نیل به مقاصد مقنن بسیار مفید است مشروط کردن آن خصوصاً در فضای عدم اعتماد عملاً چنین سیاستی را عقیم می‌گذارد. کسانی که مرتکب اقدام علیه امنیت شده‌اند از ترس مجازات اقدام اخیرالذکر و دیگران از ترس اینکه مبادا به چنین اقداماتی متهم شوند، در عمل از تحویل اسلحه و مهمات خود اجتناب خواهند کرد به نظر می‌رسد که اعطای بی‌شرط و قید این معافیت منطقی‌تر و



مؤثرتر باشد در نهایت می‌توان حقوق الناس را از شمول چنین معافیتی خارج کرد.

۱۵. شبیه این معافیت در ماده (۲۹) لایحه هم مقرر است در ماده اخیر هم همکاری متهمان و محکومان با مأمورین و مراجع دولتی برای کشف جرائم و مواد و متهمان موضوع لایحه مستوجب معافیت از «حداقل ثلث مجازات قانونی» اعلام شده است. صرف‌نظر از این که در مواردی که مجازات قانونی عمل ارتكابی حبس دائم یا اعدام است ثلث مجازات قانونی نامعلوم است، با توجه به اهمیت اظهارات و همکاری‌های متهمان برای کشف جرائم و مواد و تعقیب متهمان و مجرمان و تأثیر آن در تسهیل کار مأمورین و مراجع دولتی حدود این معافیت لازم است توسعه یابد و تمام مجازات قانونی را شامل شود. کما این‌که ماده (۴) قانون سابق در صورت همکاری مؤثر به دادگاه اختیار معافیت کلی اعطا کرده بود. در حال حاضر موادی چون ماده (۵۰۷) و (۵۲۱) قانون مجازات اسلامی در جرائم امنیتی و تهیه و ترویج سکه قلب صحبت از اعطای معافیت کلی کرده‌اند. بنابراین پیشنهاد می‌شود به‌منظور تشویق بیشتر متهمان به همکاری با مأمورین و تسهیل امر کشف و تعقیب جرائم، معافیت کلی از مجازات با دست‌کم معافیت از نصف تا تمام مجازات مورد حکم واقع شود.

۱۶. در ماده (۲۶) لایحه گفته شده ۴۰ درصد بهای کارشناسی سلاح و مهمات مکشوفه به‌عنوان حق کشف دستگاه‌های عمل‌کننده، در بودجه شورای امنیت کشور منظور می‌گردد. در ماده (۲۷) نیز همین حق کشف به عبارتی دیگر و از منبعی دیگر دوباره منظور شده است. در این ماده گفته شده ۴۰ درصد درآمدهای ناشی از اجرای این قانون به‌عنوان حق کشف در اختیار دستگاه‌های عمل‌کننده قرار می‌گیرد تا طبق آیین‌نامه اجرائی به کسانی که در امر کشف دخالت داشته‌اند پرداخت گردد. درباره



پیش‌بینی این حق کشف‌ها خصوصاً با حجم مذکور در لایحه چند نکته قابل تأمل وجود دارد. اولاً چشم دوختن به درآمد ناشی از اجرای قوانین جزایی و جزایهای نقدی مأخوذ از محکومان نگرش نادرستی است. تبدیل حقوق جزا و قوانین جزایی به یکی از منابع درآمد عمومی خصوصاً شائبه نگاه اولویتی به این مسئله، علاوه بر انحراف از اهداف اصلی و اقتضائات ذاتی حقوقی جزا تأثیر نامطلوبی در اذهان و انتظارات عمومی خواهد داشت. ثانیاً پیش‌بینی حق کشف و الزام دولت به تمهید مقدمات پرداخت آن قابل انتقاد است؛ مأمورین دستگاه‌های مجری قانون در ازای انجام وظایف قانونی خود، از درآمدهای عمومی حقوق و مزایای قانونی دریافت می‌نمایند با وجود دریافت حقوق و مزایای قانونی در قبال انجام وظایف قانونی، دریافت مبالغ و مزایای دیگر تحت عنوان حق کشف و عناوین نظیر آن توجیه معقولی نخواهد داشت. این مسئله ممکن است در تلقی عمومی اثری نامطلوب داشته باشد و به تدریج به دیگر دستگاه‌ها و مأمورین موظف به انجام وظایف قانونی که انجام وظیفه آنان به درآمدی برای دولت می‌انجامد تعمیم یابد و همه در قبال انجام وظایف خود، علاوه بر حقوق قانونی خواستار دریافت مبالغ مازاد گردند. اگر گفته شود مشاغل مجریان این‌گونه قوانین از جمله مشاغل سخت و مخاطره‌آمیز است، حمایت‌های مالی و امنیتی از آنان از طرقی دیگر باید چاره‌اندیشی شود.

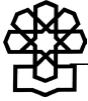
۱۷. در بند «ب» ماده (۲۷) گفته شده ۴۰ درصد از درآمدهای ناشی از اجرای این قانون هر ساله از طریق لایحه بودجه، بابت تجهیز و تقویت مبارزه با قاچاق سلاح و مهمات در اختیار شورای امنیت گذاشته می‌شود. مجدداً در ماده (۳۰) لایحه مقرر شده دولت موظف است سالانه برای پیشگیری از وقوع جرائم موضوع این قانون و مقایسه



با آن‌ها اعتبار لازم را از محل بودجه عمومی کشور در اختیار شورای امنیت کشور قرار دهد این دو مطلب مضمون و مآل واحدی دارند. اگر در اجرای ماده (۳۰) دولت موظف به تأمین بودجه مقابله با جرائم موضوع این قانون به‌طور کلی باشد تخصیص ۴۰ درصد موضوع بند «ب» ماده (۲۷) دیگر چه معنایی خواهد داشت؟ به نظر می‌رسد که با وجود حکم ماده (۳۰) آنچه در بند «ب» ماده (۲۷) آمده زائد باشد.

مطلب اساسی‌تر در این باره این است که تعیین و تخصیص درآمدهای خاص به عنوان هزینه فعالیت دستگاه‌های خاص، در قوانین و مقرراتی غیر از قانون بودجه خلاف اصول است. همه درآمدهای عمومی دولت به حکم اصل پنجاه و سوم قانون اساسی باید در خزانه‌داری کل متمرکز گردد و تخصیص بودجه در حد اعتبارات مصوب در قانون مربوطه باید صورت گیرد. بنابراین پیشنهاد می‌شود با صرف‌نظر از مقررات مواد (۲۶) و (۲۷) به حکم کلی ماده (۳۰) و الزام به تصویب و تخصیص اعتبارات لازم از محل بودجه عمومی کشور اکتفا گردد. به‌خصوص باید توجه داشت که چون «شورای امنیت کشور» فاقد طبقه‌بندی بودجه‌ای است و فاقد شخصیت حقوقی تعریف شده در مواد (۲)، (۳)، (۴) و (۵) قانون محاسبات عمومی کشور، اعتبارات مصوب به دستگاه‌های مجری این لایحه یعنی وزارت دفاع و وزارت کشور تخصیص یابد.

۱۸. توجیه و تعلیل مذکور در صدر ماده (۳۰) خلاف اصول قانون‌نگاری است. قانون‌گذاران عادتاً به تعلیل و بیان حکمت احکام خود نمی‌پردازند.



د) جمع‌بندی

در مجموع با توجه به آنچه در قسمت ارزیابی اهداف لایحه آمد می‌توان چارچوب کلی لایحه را قابل توجیه و تصویب دانست ولی توجه به اشکالات مطرح شده در قسمت ارزیابی تفصیلی و اصلاح مواضع اشکال ضروری است. اصلاحات مورد نظر به شرح زیر قابل طرح است:

- الف) بازنویسی متن لایحه با رعایت اصول نگارشی متون قانونی و حذف زوائد و مکررات و ادغام احکام و مقررات متداخل و متشابه،
- ب) تصریح به مجرمانه بودن ترانزیت و توزیع اسلحه و مهمات و مواد تحت کنترل،
- ج) حذف نگاه مالی و درآمدی از لایحه به‌طور کلی،
- د) رفع ابهامات راجع به تعیین مجازات‌ها، از جمله مجازات شروع و معاونت در جرم موضوع مواد (۲۱) و (۲۳) لایحه،
- ه) تلطیف مجازات‌ها و حتی‌الامکان حذف مجازات اعدام،
- و) تقویت بعد تشویقی متهمانی که همکاری آنان در کشف و تعقیب جرائم و مجرمان مؤثر واقع می‌شود و توسعه معافیت آنان،
- ز) شفافیت امور ارجاعی به مراجع تنظیم آیین‌نامه اجرائی و تعیین دقیق حدود اختیارات و صلاحیت آن‌ها در تدوین آیین‌نامه مذکور،
- ح) الزام به واریز شدن درآمدهای ناشی از اجرای لایحه به خزانه کل،
- ط) رعایت دیگر تذکرات جزئی مطرح در متن گزارش.



شناسنامه گزارش

شماره مسلسل: ۸۵۷۶

عنوان گزارش: اظهار نظر کارشناسی درباره: «لایحه مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز»

Report Title: An Expert on the Bill of Smuggling of Weapons and Munitions

نام دفاتر: مطالعات حقوقی (گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی)، مطالعات اقتصادی (گروه

بازرگانی) و مطالعات برنامه و بودجه

تهیه و تدوین: جلیل امیدوی

ناظر علمی: جلیل امیدوی

متقاضی: کمیسیون قضایی و حقوقی

ویراستار: جلیل امیدوی

واژه‌های کلیدی و معادل انگلیسی آن‌ها:

۱. قاچاق (Smuggling)

۲. اسلحه (Weapons)

۳. مهمات (Munitions)

منابع و مآخذ تهیه گزارش:

۱. قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵.

۲. قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات.

تاریخ انتشار: ۱۳۸۶/۷/۴

